

ترتیبها ۲۹

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ - مَكِّيَّةٌ

آیاتها ۶۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم ﴿۱﴾ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

الم (اشاره به اسماء الهی یا اسرار). (۱) آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده ایم رهاسان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟

﴿۲﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا

(۲) و محققاً ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان

و لَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿۳﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ

را کاملاً می شناسد. (۳) آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب می شوند پنداشتند که بر ما سبقت گیرند (و از عقاب ما

يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۴﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ

خلاصی یابند)؟ بسیار بد حکم می کنند. (۴) هرکس که به لقاء خدا امیدوار و مشتاق است (بداند که) هنگام اجل و وعده معین خدا

لَاتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۵﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ

البته فرا رسد و او (به گفتار و کردار خلق) شنوا و داناست. (۵) و هر که (در راه ایمان) جهد و کوشش کند به سود خود کند که خدا از

لَغْنَى عَنِ الْعٰلَمِينَ ﴿۶﴾ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ

(طاعت و عبادت) عالمیان البته بی نیاز است. (۶) و آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند البته

عَنَّهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۷﴾

ما هم گناهانشان را محو و مستور کنیم و بهتر از آن اعمال نیکشان، به آنها پاداش دهیم. (۷)

وَ وَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ﴿۸﴾ وَاِنْ جِهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ

و ما به آدمی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آنها (خود مشرک باشند و) کوشند تا تو، به من (که خدای یگانه ام) از روی جهل

لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا اِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَاَنْبِئِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

و نادانی شرک آوری هرگز اطاعت امر آنها نکن، که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل که به جای آورده اید آگاه می گردانم. (۸)

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّٰلِحِينَ ﴿۹﴾ وَمِنْ

و آنان که ایمان آورده و کار نیکو کردند آنان را البته (به بهشت) در صف صالحان (و رتبه نیکان) آریم. (۹) و بعضی مردم (از راه نفاق)

النَّاسِ مِنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَاِذَا اُودِيَ فِي اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ

می گویند: ما به خدا ایمان آوردیم، و چون رنج و آزاری در راه خدا ببینند، فتنه و عذاب خلق را با عذاب خدا برابر شمرند (یعنی همان قدر که ترس عذاب خدا آنها

كَعَذَابِ اللَّهِ ز وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ

را از کفر به ایمان می خواند ترس عذاب مردم هم از ایمان به کفر می کشد) و هرگاه ظفر و نصرتی از جانب خدایت (به مؤمنان) رسید (آن منافقان) گویند: ما هم

اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَ لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا

باشما (و هم آیین شما) بودیم. آیا خدا بر آنچه در دل‌های خلایق است داناتر نیست؟ (۱۰) و البته خدا هم به احوال اهل ایمان داناست

وَ لَيَعْلَمَنَّ الْمُنْفِقِينَ ﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا

و هم از درون منافقان آگاه است. (۱۱) و کافران به اهل ایمان گفتند: شما طریقه ما را پیروی کنید (اگر به خطا رفتید)

سَبِيلَنَا وَ لَنَحْمِلَ خَطَايَكُمْ وَ مَا هُمْ بِحَمِلِينَ مِّنْ خَطَايِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ز

بار خطاهای شما را ما به دوش می گیریم، در صورتی که هیچ از بار گناهشان را به دوش نگیرند،

إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَ لَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَ لَيَسْئَلُنَّ

آنها دروغ می گویند. (۱۲) و آنها علاوه بر بار سنگین گناهان خود، بار گناهان هر که را همراه کرده اند نیز به دوش می گیرند

يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ ﴿١٣﴾ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ

و روز قیامت از آنچه دروغ می بستند سخت مؤاخذه می شوند. (۱۳) و همانا نوح را (به رسالت) به سوی قومش فرستادیم

فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ

و او هزار سال-پنجاه سال کم، میان قوم درنگ کرد، و چون همه ستمگر و ظالم بودند همه را طوفان هلاک فرا

ظَلَمُونَ ﴿١٤﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾

گرفت. (۱۴) و تنها خود نوح را با اصحاب کشتی او (از غرق) نجات دادیم و آن کشتی را برای خلق عالم آیتی (از قدرت و رحمت خویش) قرار دادیم. (۱۵)

وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ

و ابراهیم را (نیز فرستادیم) که به قوم خود گفت: خدا را بپرستید و از او بترسید که پرستش و ترس خدا، اگر بدانید (از هر چیز) برای

تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوثَانًا وَ تَخْلُقُونَ أَفْكَارًا

شما بهتر است. (۱۶) و بدانید که شما به جای خدا بت‌هایی (جماد و بی اثر) را می پرستید و دروغی می سازید (که نام خدا

الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ

بر آنها می نهید، اینک بدانید که) آنچه را جز خدا می پرستید قادر بر رزق شما نیستند، پس روزی را از نزد خدا طلبید و او را

الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ ز إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَ إِن تَكْذِبُوا فَقَدْ

پرستید و شکر (نعمت) وی به جای آرید (و بدانید که باز) رجوع شما به سوی اوست. (۱۷) و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب

كَذَّبَ أُمَّم مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوْ لَمْ

می کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست. (۱۸) آیا

يُرَوِّا كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾

(مردم بارها به چشم خود) ندیدند که خدا چگونه ابتدا خلق را ایجاد می‌کند و باز به اصل خود برمی‌گرداند؟ این کار بر خدا بسیار آسان است. (۱۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ

بِغَاكِهِ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ

الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن

يَشَاءُ ۚ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۚ

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾

كَمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمَا لَكُمْ لِمَا كَفَرْتُمْ أَلَّا تُحْسِنُوا الصَّلَاةَ ۚ

الَّذِينَ كَفَرُوا يُصَلُّونَ مُوَجَّهِينَ سُوًى ۚ وَمَا لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ ۖ لِيَتُذَكَّرُوا ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يُحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

﴿٢٧﴾ وَ لُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اِنَّكُمْ لَتَاتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ

خواهد بود. (٢٧) و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: شما به عمل زشتی اقدام می‌کنید که هیچ کس در عالم، پیش

اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ اِنَّكُمْ لَتَاتُونَ الرَّجَالَ وَ تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ

از شما مرتکب نشده است! (٢٨) آیا شما به شهوترانی با مردان خلوت کرده و راه (فطرت زناشویی) را قطع می‌کنید

وَ تَاتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اِنَّنَا

و در مجامع خود (بی هیچ خجلت) به کار قبیح می‌پردازید؟! قوم لوط جز آنکه (به طعنه) گفتند: اگر راست می‌گویی

بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ اَنْصُرْنِيْ عَلٰی الْقَوْمِ

عذاب خدا را بر ما نازل کن به او ابدأ جوابی ندادند. (٢٩) لوط گفت: پروردگارا، مرا بر (محو) این قوم

الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٣٠﴾ وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى قَالُوا اِنَّا

فاسد یاری کن. (٣٠) و چون رسولان ما (فرشتگان عالم قدس) به ابراهیم بشارت (فرزند) آوردند گفتند: ما (به امر خدا) اهل این دیار

مُهَلِّكُوْا اَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ اِنْ اَهْلُهَا كَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿٣١﴾ قَالَ اِنْ فِيْهَا لُوطًا

را که قومی سخت ظالم و بدکارند هلاک می‌کنیم. (٣١) ابراهیم به فرشتگان گفت: لوط هم (که بنده صالح موحد پاکی است) در این

قَالُوْا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِيْهَا لَنَنْجِيْنَهُ وَ اَهْلَهُ وَ اِلَّا امْرَاَتُهُ وَ كَانَتْ مِنَ

دیوار است! پاسخ دادند که ما به احوال آن که در این دیوار است بهتر آگاهیم، ما او را با همه اهل بیتش غیر زن وی، که در میان اهل

الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٢﴾ وَ لَمَّا اَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِٔءًا بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا

هلاکت باقی ماند البته نجات خواهیم داد. (٣٢) و چون رسولان ما نزد لوط آمدند، لوط از آمدن آنها (که ناشناس و با صورت زیبا

وَ قَالُوْا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ اِنَّا مُنْجُوْكَ وَ اَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتُكَ كَانَتْ مِنَ

بودند) اندوهگین و دل‌تنگ گردید، و فرشتگان گفتند: هیچ بیمناک و غمگین مباش که ما تو را با همه اهل بیتت غیر آن زن کافر

الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٣﴾ اِنَّا مُنْزِلُوْنَ عَلٰى اَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا

که در میان اهل هلاک واماند، نجات می‌دهیم. (٣٣) ما بر اهل این دیوار که فاسق و بدکارند از آسمان عذابی سخت

كٰنُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿٣٤﴾ وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا اٰيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ ﴿٣٥﴾ وَ اِلٰى

نازل کنیم. (٣٤) و همانا از آن دیار لوط، آثار خرابی را و گذاشتیم تا آیتی روشن برای (عبرت) عاقلان باشد. (٣٥) و شعیب را که برادر

مَدِيْنَ اَخَاهُمْ شَعِيْبًا فَقَالَ يَقُوْمُ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ وَ اَرْجُوْا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ

مهربانی برای قومش بود (به رسالت) به سوی اهل مدین (فرستادیم)، او با قوم گفت که ای قوم، همیشه خدا را پرستید و به روز قیامت (و سعادت آخرت) امیدوار

وَ لَا تَعْثُوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوْهُ فَآخَذَتْهُمْ الرِّجْفَةُ

باشید و هرگز در روی زمین فساد و تبهکاری مکنید (که آسایش دو گیتی در این نصایح است). (٣٦) قوم شعیب او را تکذیب کردند و (به کيفر

فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ

آن، شبی) زلزله‌ای سخت آنان را در گرفت و صبحگاه همه را در خانه‌هاشان، مرگ به زانو در آورد. (۳۷) و قوم عاد و ثمود را که منازل (خراب و ویران

مَسْكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

شان را به چشم می‌بینید آنها نیز با آنکه بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه (حق)

وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ

آنها را باز داشت، همه را هلاک و نابود گردانیدیم. (۳۸) و قارون و فرعون و هامان را هم که موسی (علیه السلام) با معجزات روشن به هدایت آنها آمد

مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكَلَّا

(و به او نگرویدند و) باز در زمین تکبر و ظلم و طغیان کردند (همه را هلاک کردیم) و (بر قهر حق) سبقت نگرفتند (و راه نجاتی نیافتند). (۳۹) ما هر

أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ

طایفه‌ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم، بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را صیحه عذاب آسمانی

الصَّيْحَةَ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ

در گرفت و برخی را به زلزله زمین و گروهی دیگر را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم، و خدا به آنان

اللَّهُ لِيُظْلَمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا

هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند. (۴۰) مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ

سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی)، حکایت خانه‌ای است که عنكبوت بنیاد کند و اگر

لَبَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ

بدانند سست‌ترین بنا، خانه عنكبوت است. (۴۱) خدا بر آنچه که به غیر او بخوانند (و پرستش کنند) آگاه است و او (بر انتقام اهل شرک

دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

و (ربا) مقتدر و (به دقایق امور عالم) داناست. (۴۲) و ما این همه مثلها را برای مردم می‌زنیم (تا حقایق برای آنها روشن شود) و لیکن

وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ

به جز مردم دانشمند، کسی تعقل در آنها نخواهد کرد. (۴۳) خدا آسمانها و زمین را به حق (و در کمال حکمت) آفریده (نه بر باطل و لغو و عبث) و در این خلقت

فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتَلُوا مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ

آسمان و زمین آیت و نشانه‌ای (از ربوبیت) برای اهل ایمان کاملاً پدیدار است. (۴۴) (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق)

الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر بازمی‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر (و برتر از حد

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ الْبَالِغَةَ هِيَ

اندیشه خلق است، و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است. (٤٥) و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس)

أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ

جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل

إِلَيْكُمْ وَالْهِنَا وَالْهَيْكُمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَلِكَ

شده و به کتاب آسمانی شما، به همه ایمان آورده ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم. (٤٦) و ما هم چنان (که بر سولان پیشین،

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

کتاب آسمانی تورات و انجیل و زبور فرستادیم) بر تو هم (ای رسول) کتاب (آسمانی قرآن) را نازل کردیم، پس آنان که به آن کتاب که بر ایشان فرستادیم ایمان

هَؤُلَاءِ مِنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا كُنْتَ

آوردند به این کتاب نیز ایمان آرند و از این گروه (اهل مکه) هم بعضی به آنان ایمان آورند و به جز کافران، هیچ کس آیات ما را انکار نخواهد کرد. (٤٧) و تواز این

تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَرْتَابِ الْمُبْطِلُونَ

پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی نگاشت که در آن صورت مبطلان (منکر قرآن) در نبوتت شک و ریبی می کردند (و می گفتند این کتاب به وحی خدا

﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ

نیست و خود از روی کتب سابقین جمع و تألیف کرده است). (٤٨) بلکه این قرآن، آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که (از خدا نور) علم و دانش

بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا

یافتند، و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند. (٤٩) و کافران گفتند: (این مرد اگر رسول خداست) چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدایش نازل نشد؟ بگو:

الآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا

آیات نزد خدا (و به امر خدا) است، من (که رسولم) جز آنکه (خلق را از انتقام خدا) بترسانم وظیفه ندارم. (٥٠) آیا اینان را (که تقاضای معجزه می کنند) این

عَلَيْكَ الْكِتَابُ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را که بر آنان تلاوت می شود، ما بر تو فرستادیم؟ و همانا در آن برای اهل ایمان البته رحمت و یادآوری و پندی خواهد بود.

﴿٥١﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

(٥١) بگو: میان من و شما، خدا گواهی کافی است، که او به هر چه در آسمانها و زمین است آگاه است.

وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَ كَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

و آنان که به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند، هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند. (٥٢)

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

منکران (به تمسخر) از تو تقاضای تعجیل در نزول عذاب می کنند، و اگر وقت معین آن (در علم ازلی، قیامت) نبود عذاب حق بر آنها می رسید،

وَلِيَاتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ

و البته ناگهانی در حالی که غافل و بی خبر باشند بر آنان خواهد آمد. (۵۳) (و این کافران) از تو به تعجیل عذاب می طلبند در صورتی

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ

که شراره عذاب جهنم به کافران احاطه نموده است. (۵۴) (اینان را متذکر ساز به آن) روزی که عذاب خدا از بالا و زیر پا، آنها را فرو

تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾ يُعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا

گیرد، و (خدا یا منادی حق) گوید: (امروز) بچشید کیفر آنچه (در دنیا) عمل می کردید. (۵۵) ای بندگان با ایمان من، زمین من بسیار وسیع است در این صورت

إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِنَّا

(اگر به تنگ آمده و به کفر مجبور شوید از آنجا به دیار دیگر هجرت کنید و هر کجا باشید) مرا منحصرأ به اخلاص پرستش کنید. (۵۶) هر نفسی (طعم ناگوار) مرگ

تَرْجِعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

را خواهد چشید، و پس از مرگ، شما را به سوی ما بازگردانند. (۵۷) و آنان که ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند، البته آنها را به عمارات عالی بهشتی که زیر

غُرْفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ

درختانش نهرها جاری است منزل دهیم که در آن زندگانی ابدی کنند، آنجا پاداش نیکویی برای نیکوکاران عالم است. (۵۸) آنان که (در راه دین خدا) صبر

صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَانَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ

و شکیبایی پیشه کردند و بر پروردگار خود توکل می نمودند. (۵۹) و چه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند، خدا (بدون هیچ

يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ

کوشش) به آنها و هم به شما روزی می رساند، و او شنوا و دانا است. (۶۰) و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آسمانها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فإني يُوَفِّكُونِ

و زمین را که آفریده و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست؟ به یقین جواب دهند که خدا، پس چگونه رویگردان می شوند؟

﴿٦١﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ

(۶۱) خداست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی و یا تنگ روزی می گرداند، که همانا او به هر چیزی (از مصالح خلائق) داناست.

شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

(۶۲) و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آن کیست که از آسمان باران نازل سازد تا زمین را به آن، پس از مرگ (گیاهان، باز به نسیم جانبخش بهار) زنده

مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

گرداند؟ به یقین جواب دهند که آن خداست. بگو: ستایش مخصوص خدای یکتاست. آری و لیک اکثر این مردم، عقل خود را به کار نگیرند. (۶۳) این زندگانی

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ

چند روزه دنیا (اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود) افسوس و باز بچه ای بیش نیست، و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت دار آخرت است (که)

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ

حیاتش جاوید و نعمتش بی رنج و زوال است. (۶۴) این مردم مشرک چون به کشتی نشینند (و به دست امواج خطر افتند در آن حال) تنها خدا را به

الَّذِينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

اخلاص کامل در دین می خوانند، و چون از خطر دریا به ساحل نجاتشان رساند (باز به خدای یکتا) مشرک می شوند. (۶۵) تا هر نعمتی را که ما به آنها عطا

وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

کرده ایم کفران کنند و (تا مدتی) بهره مند باشند، اما به زودی خواهند دانست. (۶۶) آیا (کافران اهل مکه) ندیدند که آن شهر را حرم امن و امان

وَيَتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

قرار دادیم در صورتی که از اطرافشان مردم (ضعیف) را به قتل و غارت می ربایند؟ آیا باز به باطل می گروند و به نعمت خدا کافر

يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ

می شوند؟ (۶۷) آیا هیچ کس از آن که بر خدا دروغ بست و (رسول) حق را که برای (هدایت) او آمد تکذیب کرد

لَمَّا جَاءَهُ الْيَسْرُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

(در عالم) ستمکارتر هست؟ آیا جایگاه کافران (ستمکار) در آتش دوزخ نیست؟ (۶۸) و آنان که در (راه) ما (به جان و مال)

لِنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه های خویش هدایت می کنیم، و همیشه خدا یار نکوکاران است. (۶۹)

سُورَةُ الرَّوْمِ - مَكِّيَّةٌ

آیاتها ۶۰

ترتیبها ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْمِ ﴿١﴾ غَلَبَتِ الرَّوْمُ ﴿٢﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ

الم. (۱) رومیان، مغلوب (فارسیان) شدند. (۲) در (جنگی که به) نزدیکترین زمین (به دیار عرب) و آنها پس از مغلوب شدن فعلی، به

سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ط لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ

زودی (بر فارسیان) غلبه خواهند کرد. (۳) (این غلبه رومیان) دراندسالی خواهد شد (و بدانید که) کلیه امور عالم از قبل از این و بعد

يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ ج يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

از این همه به دست خداست، و آن روز مؤمنان شاد می شوند. (۴) به یاری خدا، که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی می بخشد و

﴿٥﴾ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

اوست که مقتدر و مهربان است. (۵) این وعده خداست که خدا هرگز خلاف وعده نکند، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند. (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ ﴿٧﴾ اَوْ

(اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاهند و از عالم آخرت (و وعدهٔ ثواب و عقاب حق) به کلی بی‌خبرند. (۷) آیا در پیش نفوس

لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِيْ اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

خود تفکر نکردند (تا بدین حکمت پی‌برند) که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز به حق (و برای حکمت و مصلحت)

الْاَبَاحِقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ط وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ

و به وقت (و حد) معین نیافریده است؟ و بسیاری از مردم به شهود و لقای خدا (در عالم غیب و وعدهٔ ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و

﴿٨﴾ اَوْ لَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ

قیامت) به کلی کافر و بی‌عقیده‌اند. (۸) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که عاقبت کار پیشینیانشان (چون قوم عاد و ثمود) چه

قَبْلَهُمْ كَانُوْا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَاثَارُوْا الْاَرْضَ وَاَعْمَرُوْهَا اَكْثَرُ مِمَّا

شد؟ در صورتی که از اینها بسیار توانتر بودند و بیش از اینها در زمین، کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند و پیامبرانشان با

عَمَرُوْهَا وَاَجَاءَتْهُمْ رَسٰلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيْظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ

آیات و معجزات برای (هدایت) آنان آمدند (لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند). و خدا دربارهٔ آنها هیچ ستم نکرد

كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ عٰقِبَةُ الَّذِيْنَ اَسَءُوْا السَّوْاىَ اَنْ

بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند. (۹) آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات

كٰذَبُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١٠﴾ اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ

خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد). (۱۰) خداست که خلق را نخست (از عدم) پدید

يُعِيْدُهُ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ

آردوباز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شود. (۱۱) روزی که ساعت قیامت برپا شود بدکاران نومید و اندوهگین شوند.

﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شٰفِعُوْا وَاَكَانُوْا بِشُرَكَائِهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿١٣﴾

(۱۲) و هیچ شفیع و مددکاری بر خود، از آنان که شریک حق گرفتند نمی‌یابند، بلکه به آن شریکان و خدایان باطل کافر می‌شوند. (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُوْنَ ﴿١٤﴾ فَاَمَّا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوا

و روزی که ساعت قیامت برپا شود در آن روز خلائق (برحسب مراتب طاعت و معرفت و کفر و عصیان) فرقه فرقه شوند. (۱۴) اما آن فرقه که ایمان آوردند و

الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُجْبَرُوْنَ ﴿١٥﴾ وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا

به نیکوکاری پرداختند مسرور (و محترم) به باغ بهشت منزل گیرند. (۱۵) و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و دیدار

بِآيٰتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذٰبِ مُحْضَرُوْنَ ﴿١٦﴾ فَسَبْحٰنَ اللّٰهِ

آخرت را تکذیب کردند، آنان را (برای کیفر) در عذاب دوزخ حاضر کنند. (۱۶) پس خدا را هنگام شام و صبحگاه

حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

(در نماز مغرب و صبح) تسبیح و ستایش گوید. (۱۷) و سپاس (اهل عالم) در آسمانها و زمین مخصوص اوست و شما نیز در تاریکی شب و نیمه روز

وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

(در نماز عشاء و ظهر و عصر) به ستایش او مشغول شوید. (۱۸) (آن خدایی را تسبیح و ستایش گوید که) زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد و زمین را پس

الْحَيَّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ

از (فصل خزان و) مرگ (گیاهان باز به نسیم جانبخش بهارش) زنده گرداند، و همین گونه شما را هم (پس از مرگ) بیرون آرند. (۱۹) و یکی از نشانه‌های او این

خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ

است که (پدر) شما آدمیان را از خاک خلق کرد سپس (به توالد) بشری (منشعب و نژادهایی مختلف) شدید که (در همه روی زمین) منتشر گشتید. (۲۰) و باز

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار

وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ

فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت، ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است. (۲۱) و یکی از آیات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمین

وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ السَّنَتِكُمْ وَ الْوَأَنَّاكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان، که در این امور نیز ادله‌ای (از صنع و حکمت حق) برای دانشمندان عالم آشکار است.

﴿٢٢﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي

(۲۲) و یکی از آیات او همین است که شما در شب و روز به خواب رفته (و بیدار می شوید) و از فضل خدا (یعنی روزی) طلب می کنید. در این امر هم ادله‌ای (از

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ لَبْرِقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا

قدرتش) برای قومی که (سخن حق) بشنوند پدیدار است. (۲۳) و یکی از آیات او آن است که (رعد و برق را به شما می نمایاند که هم شما را (از صاعقه عذاب

وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

می ترساند و هم (به باران رحمت خود) امیدوار می گرداند، و نیز از آسمان باران می فرستد تا زمین را پس از مرگش باز زنده گرداند. در این امر نیز ادله‌ای (از قدرت

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا

ایزد) برای اهل خرد آشکار است. (۲۴) و یکی از آیات (قدرت) او آنکه آسمان و زمین به فرمان او برپاست، سپس که شما را از

دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ وَ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ

خاک برخواند (و زنده گرداند) همگی سر از قبرها بیرون می آورد. (۲۵) و هر کس در آسمانها و زمین است همه بنده و مملوک او و با

وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَهُ وَ قِنْتُونَ ﴿٢٦﴾ وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ

کمال خضوع و خشوع، مطیع فرمان اوست. (۲۶) و او خدایی است که نخست خلایق را بیافریند و آن گاه (به عالم معاد) باز گرداند و

أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۚ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۚ وَ هُوَ الْعَزِيزُ

این اعاده (مثل ایجاد) بر او بسیار سهل و آسان است و آن ذات بکتا را در آسمانها و زمین مظهر و مثالی عالی تر (از حد وصف و تعقل) است و مقتدر کامل و دانا (به

الْحَكِيمُ ۚ ۲۷) ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۚ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ

حقایق امور) تنها اوست. (۲۷) خدا برای (هدایت) شما هم از عالم خود شما مثالی زد: آیا هیچ یک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که

أَيْمَانِكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ

ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند تا شما و آنها در آن چیزی، بی هیچ مزیت مساوی باشید و همان قدر بیمی که شما از یکدیگر دارید هم از آنان دارید؟

كَخَيْفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۚ كَذَلِكَ نَفِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ اتَّبَعَ

(هرگز ندارید و هیچ آنها را مساوی با خود نمی دانید) ما چنین مفصل و روشن، آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان می کنیم. (۲۸) بلکه مردم ستمکار

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۚ وَ مَا لَهُمْ

(مشرک) هوای نفس خود را از جهل و نادانی پیروی کردند، پس آن را که خدا (پس از اتمام حجت) به گمراهی واگذارد، که می تواند هدایت کند؟ و آن گمراهان

مِنْ نَصْرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ

ستمکار را (در قیامت) هیچ یار و یآوری نخواهد بود. (۲۹) پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری،

النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرَ

و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن

النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا

اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند. (۳۰) (شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آید و خداترس باشید و نماز به

تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ

پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید. (۳۱) از آنان که دین (فطرت) خود را متفرق و پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند (از اوهام باطل

حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾ وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ

و خیالات فاسد خود) دلشادند. (۳۲) و مردم (عادتشان این است که) هر گاه رنج و المی سخت به آنها رسد در آن حال خدای خود را به دعا می خوانند

إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

به درگاه او با تضرع و اخلاص روی می کنند و پس از آنکه خدا به آنها، رحمت خود را چشانید آن گاه باز گروهی از آنها به خدای خود مشرک می شوند. (۳۳)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَهُمْ فَتَمْتَعُوا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ

تا نعمتی را که به آنها عطا کردیم کفران کنند. (باری، ای کافران ناسپاس) اینک (به هوا و هوس) تمتع برید که به زودی به (کیفر اعمال خود) آگاه می شوید. (۳۴) مگر

سُلْطٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَ إِذَا أذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

ما دلیل و حجتی فرستادیم که درباره شرک و دعوت به بت پرستی ایشان سخن گوید (و برهان بر صحت شرک آورد)؟ (۳۵) و مردم (بر این عادتند که) هر گاه ما

فَرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبَّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

رحمتی به آنها چشاییم شاد شده و اگر رنج و بلایی از کرده خودشان ببینند، در آن حال (به جای توبه به درگاه خدا، از رحمتش به کلی) نومید می شوند. (۳۶)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

آیا ندیدند که همانا خدا هر که را خواهد وسیع روزی کند و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند؟ همانا در این امر ادله روشنی (از حکمت الهی)

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ

برای اهل ایمان پدیدار است. (۳۷) پس حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که این برای آنان که مشتاق

ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلَىٰكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا

لقای خدا هستند، بهترین کار است و هم اینان (که نیکی کنند) رستگاران عالمند. (۳۸) و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر

ءَاتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيُرَبُّوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يُرَبُّوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا ءَاتَيْتُمْ

اموال مردم (رباخوار) بیفزاید (و یا هدیه به اغنیاء دهید تا خود نفع زیاد دنیوی برید) نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود) و آن زکاتی که از روی شوق و

مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ ﴿٣٩﴾ اللَّهُ الَّذِي

اخلاص به خدا (به فقیران) دادید (ثوابش چندین برابر شود) همین زکات دهندگان هستند که (نزد حق، ثواب و برکات و دارایی) چند برابر دارند. (۳۹) خداست

خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتَكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ

آن کسی که شما را خلق کرده و روزی بخشیده سپس بمیراند و باز (در قیامت) زنده گرداند، آیا آنان را که شریک خدا دانید،

يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰی عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ

هیچ از این کارها نتواند کرد؟ خدا از آنچه به او شریک گیرند، پاک و منزهرتر و بالاتر است. (۴۰) فساد و پریشانی

الْفَسَادِ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي

به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشاند، باشد که (از گنه

عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ

پشیمان شده و به درگاه خدا) باز گردند. (۴۱) بگو که در زمین سیر کنید پس بنگرید تا عاقبت طوایف پیش از خود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَاقْمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

که اکثرشان (کافر و) مشرک بودند چه شد؟ (۴۲) پس تو روی به دین استوار (اسلام و خداپرستی) آور پیش از آنکه روزی بیاید که هیچ کس

الْقِيَامِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَنْ

تواند از امر خدا آن را برگرداند (و) در آن روز (بزرگ قیامت) خلائق فرقه فرقه شوند (گروهی دوزخی و گروهی بهشتی گردند). (۴۳) هر که به راه کفر (و عصیان)

كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾

رود زیان کفرش بر خود اوست و هر که صالح و نیکوکار شود، چنین کسانی برای شخص خود (در بهشت) آسایشگاهی خوش فراهم می سازند. (۴۴)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

تا خدا از فضل و کرم به آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پاداش دهد، که او کافران را دوست

الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِنْ

ندارد. (٤٥) و از جمله آیات (قدرت) او آن است که بادهای بشارت آور می فرستد (تا شما را مژده آرد) و تا شما را به چیزی از رحمت

رَحْمَتِهِ وَ لَتَجْرِي أَلْفُكُ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ

(بی انتهای) خود بهره مند گردانند و تا کشتی به فرمان او روان گردد و تا از فضل و کرمش (انواع نعمتها) تحصیل کنید، و باشد که شکر

تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ

(نعمتش) به جای آید. (٤٦) و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن

بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ

بر آنان آوردند، پس، از کافران بدار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

﴿٤٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُبْرِئُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ

(٤٧) خدا آن کسی است که بادهای او می فرستد که ابر را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش تعلق گیرد در اطراف آسمان متصل

يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كَسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ

و منبسط کند و باز متفرق گرداند، آن گاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد، و چون آن را به (کشتزار و صحرای) هر قومی

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ

از بندگانش که بخواهد فرو بارد به یک لحظه آن قوم مسرور و شادمان گردند. (٤٨) و همانا پیش از آنکه باران (رحمت حق) بر آنان

عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ﴿٤٩﴾ فَانظُرْ إِلَى ءَاثِرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي

یبارد، به حال یأس و نومیدی می زیستند. (٤٩) پس (ای بشر دیده باز کن) و آثار رحمت (نامنتهای) الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا أَنْ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

(و دستبرد خزان، باز به نفس باد بهار) زنده می گرداند! محققاً همان خداست که مردگان را هم (پس از مرگ) باز زنده می کند و او بر همه امور عالم تواناست. (٥٠)

وَ لَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ

و اگر باز بادی فرستیم که آن کشت سبز رازد و پژمرده بنگرند (همه آن نعمتهای گذشته را فراموش کنند) و به کفر (و کفران نعمت حق) بر می گردند. (٥١) پس تو (این)

لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَ لَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَ مَا

(مردم) مرده (دل بی ایمان) را نتوانی (سخن حق) بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که (مخصوصاً از تو، به کبر و نخوت) رومی گردانند برسانی. (٥٢) و تو

أَنْتَ بَهْدِ الْعَمَى عَنْ ضَلَّاتِهِمْ أَنْ تَسْمَعَ إِلَّا مَنْ يَوْمَنْ بِءَايَاتِنَا فَهُمْ

مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند

مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ

توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی. (۵۳) خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید، آن گاه پس از ضعف

قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری برگردانید، که او هر چه خواهد و مشیتش تعلق گیرد می آفریند، و او دانا و

الْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ

تواناست. (۵۴) و روزی که ساعت قیامت برپا شود، بدکاران قسم یاد کنند که (در دنیا و قبر و برزخ) ساعتی بیش درنگ نکردند. همین گونه (عادشان از دیرین

كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ

بود که) از راستی و حقیقت به ناراستی و دروغ می پرداختند. (۵۵) و آنان که مقام علم و ایمان داده شده اند (به آن فرقه بدکار)

لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ

گویید: شما تا روز قیامت که هم امروز است، در کتاب خدا (یعنی عالم علم خدا) مهلت یافتید و لکن بر آن

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مُعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ

آگاه نبودید. (۵۶) پس در آن روز آنان که (در دنیا به خود و به خلق خدا) ستم کردند عذرشان مفید نیفتد و از آنان نخواهند که توبه

يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ

و عذرخواهی کنند. (۵۷) البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هرگونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هرگونه معجز و آیتی

جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ

بیاوری باز کافران محققاً (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می خوانید. (۵۸) این چنین خدا

يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بر دلهای اهل جهل (پس از اتمام حجت) مهر (شقاوت) نهد (که هیچ سخن حق را نپذیرند). (۵۹) پس تو صبر پیشه کن، که وعده

وَلَا يَسْتَخْفَنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم بی علم و یقین و ایمان (مقام حلم و وقار) تو را به خفت و سبکی نکشاند. (۶۰)

آیاتها ۵۹

سُورَةُ الدُّخَانِ - مَكِّيَّةٌ

ترتیبها ۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حَمِّ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ

حم (قسم به حمید و مجید) (۱) قسم به این کتاب روشن بیان. (۲) که ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) فرستادیم، که ما بیم کننده ایم (و خلق را آگاه کنیم و

مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا

بترسانیم). (۳) در آن شب هر امر استواری (با حکمت و تدبیر نظام احسن) معین و ممتاز می‌گردد. (۴) تعیین آن امر البته از جانب ما که فرستنده پیغمبرانیم

مُرْسَلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ

خواهد بود. (۵) (این ارسال رسول از) لطف و رحمت پروردگار توست که شنوا و داناست. (۶) همان پروردگاری که خالق آسمانها

وَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ

و زمین و هر آنچه میان آنهاست اوست اگر یقین دارید. (۷) هیچ خدایی غیر او نیست، او زنده می‌گرداند و باز می‌میراند، او خدای آفریننده

رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾ فَارْتَقِبْ

شما و پدران پیشین شماست. (۸) (کافران را ایمان نیست) بلکه با شک و ریب (و استهزاء) به بازیچه (دنیا) مشغولند. (۹) (ای رسول) منتظر

يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾

باش روزی را که (بر عذاب کافران) آسمان دودی پدید آرد پدید و آشکار. (۱۰) آن دود آسمانی که عذابی دردناک است مردم را احاطه کند. (۱۱)

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ

(و کافران فریاد برآوردند که) پروردگارا، این عذاب از ما بر طرف ساز که ما البته ایمان می‌آوریم. (۱۲) کجا متذکر شده و ایمان می‌آورند در صورتی که رسول

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا

ما با آیات روشن بیان آمد. (۱۳) پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند. (۱۴) ما تا

كَاشَفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ

زمانی اندک (که برای امتحان) عذاب را (از شما) برمی‌داریم باز (به کفر خود) بر می‌گردید. (۱۵) (ای رسول) منتظر باش! آن روز بزرگ

الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ﴿١٦﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ

که ما (آنها را) به عذاب سخت بگیریم که البته ما (از آنها) انتقام خواهیم کشید. (۱۶) و ما پیش از این امت، قوم فرعون را آزمودیم و رسولی بزرگوار (مانند موسی)

رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ وَ أَنْ لَا

به سوی آنها فرستادیم. (۱۷) (او گفت) که (ای فرعونیان) امر بندگان خدا را به من واگذارید، که من بر شما به یقین رسول امین پروردگارم. (۱۸) و زنهار

تَعَلَّوْا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتَيْتُكُمْ بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَ إِنِّي عَدْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ

بر خدا تکبر و طغیان مجوید که من بر شما حجت آشکار آوردم. (۱۹) و من به خدای خود و خدای شما پناه می‌برم از اینکه عزم آزار

أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَا

و سنگسار من کنید. (۲۰) و اگر به (رسالت) من ایمان نمی‌آورید پس مرا به حال خود واگذارید (و در پی قتل و آزارم بر نیاید). (۲۱) (فرعونیان دست از ستمش

قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَاسْرُبْ عِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَ أَتْرُكُ الْبَحْرَ

برنداشتند) پس دعا کرد که ای خدا، اینان مردمی سخت مجرم و بدکارند. (۲۲) (خدا فرمود) پس تو بندگان (با ایمان) مرا شبانه از شهر بیرون بر، چرا که

رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّةٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ

فرعونیان شما را تعقیب کنند. (۲۳) آن گاه دریا را (همان گونه که بر تو بشکافتیم) آرام و خشک بگذار و بگذر که فرعون و لشکریانش تمام به دریا غرق شوند.

وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنِعْمَةٌ كَانُوا فِيهَا فَكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا

(۲۴) چه بسیار باغ و بستانها و چشمه های آب، (۲۵) و کشت و زرعها و مقام و منزلهای عالی رها کردند و رفتند. (۲۶) و ناز و نعمت وافر که در آن غرق بودند و

ءَاخِرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ

از همه چشم پوشیدند. (۲۷) این چنین بود و ما آن ناز و نعمتها را از قوم گذشته ارث به قوم دیگر دادیم. (۲۸) و بر مرگ گذشتگان هیچ چشم آسمان و زمین

﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ

نگریست و برهلاکشان مهلت ندادند. (۲۹) و البته ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت و خواری نجات دادیم. (۳۰) از شر فرعون که سخت

كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

متکبر و ستمکار بود آسوده ساختیم. (۳۱) و آنها را در آن دور بر عالمیان به علم و دانش (کتاب آسمانی تورات) برگزیدیم.

﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَهُمْ مِنَ الآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۲) و آیات و معجزاتی (از رحمت و غضب) بر آنها به دست موسی آوردیم که در آن کاملاً و آشکارا آزمایش شوند. (۳۳) همانا اینان (یعنی مشرکان مانند

إِنَّ هِيَ الأَمْوَاتُ الأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَآتُوا بِأَبَائِنَا إِن كُنْتُمْ

دهربان) البته خواهند گفت، (۳۴) که ما جز این مرگ اول (دیگر هیچ مرگ و زندگی) نداریم و هیچ (در قیامت) زنده نخواهیم شد. (۳۵) پس پدران ما را اگر راست

صٰدِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهْمٌ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعِّعُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ

می گویند بیاورید. (۳۶) آیا اینان بهترند (و نیرومندتر) یا قوم تبع و اقوام پیش از آنان که چون بسیار مردم بدکار مجرمی بودند

كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبَادٍ

ما همه را هلاک کردیم. (۳۷) و ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازیچه خلق نکردیم.

﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَیْعَلْمُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ

(۳۸) آنها را جز به حق (و از روی حکمت و مصلحت) نیافریدیم و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند. (۳۹) همانا روز قیامت که روز

مِیقاتِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ یَوْمٌ لَا یُعْنَىٰ مَوْلَىٰ عَنِ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ

فصل و جدایی (مؤمن و کافر) است و عده گاه جمیع خلائق است. (۴۰) روزی که هیچ حمایت خویش و یار و یآوری، کسی را از عذاب

یَنْصُرُونَ ﴿٤١﴾ إِلا مَنْ رَحِمَ اللهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَةَ

نرهند و احدی را نصرت نکنند. (۴۱) مگر آن که خدا به او رحم کند، که او تنها بر خلق مقتدر و مهربان است. (۴۲) همانا درخت زقوم

الزَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الأَثِیمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ یَغْلَىٰ فِی البُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلَى الحَمِیمِ

جهنم، (۴۳) قوت و غذای بدکاران است. (۴۴) که آن غذا در شکمهاشان چون مس گداخته در آتش می جوشد. (۴۵) آن سان که آب

﴿٤٦﴾ خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ﴿٤٧﴾ ثم صبوا فوق راسه من عذاب

به روی آتش جوشان است. (٤٦) (خطاب قهر رسد که) این بدکار را بگیرد و به میان دوزخ افکنید. (٤٧) پس از آن آب جوشان بر

الحميم ﴿٤٨﴾ ذق انك انت العزيز الكريم ﴿٤٩﴾ ان هذا ما كنتم به تمترون

سروش فروریزید. (٤٨) (و به استهزاء وی گویند: عذاب دوزخ را) بچش که تو بسیار (نزد خود) توانمند و گرامی هستی. (٤٩) این همان عذابی است که از آن در شک و

﴿٥٠﴾ ان المتقين في مقام امين ﴿٥١﴾ في جنت و عيون ﴿٥٢﴾ يلبسون من

انکار بودید. (٥٠) همانا (آن روز سخت)، آنان که متقی و خداترس بودند مقام امن و امان یابند. (٥١) در باغها و کنار چشمه‌ها و نهرها بیارامند. (٥٢) لباس از سندس

سندس و استبرق متقبلين ﴿٥٣﴾ كذلك وزوجنهم مجورعين ﴿٥٤﴾ يدعون

و استبرق (حریر نازک و ستبر) پوشند و رو به روی هم بر تختها تکیه زنند. (٥٣) همچنین است و با حوریان زیبا چشمشان، جفت قرار داده‌ایم. (٥٤) در آن بهشت پرنعمت از هر نوع

فيها بكل فاكهة امنين ﴿٥٥﴾ لا يدوقون فيها الموت الا الموتة الاولى

میوه‌ای بخورند بر آنان حاضر و (از هر درد و رنج و زحمت) ایمن و آسوده‌اند. (٥٥) و جز آن مرگ اول (که از دنیا مردند) دیگر هیچ طعم مرگ رانمی‌چشند و خدا آنها را از عذاب دوزخ

ووقهم عذاب الجحيم ﴿٥٦﴾ فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم ﴿٥٧﴾

محفوظ خواهد داشت. (٥٦) این به فضل و رحمت خدای توست و همین به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است. (٥٧) و ما این قرآن را (با بیان فصیح) به زبان تو آسان کردیم

فانما يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون ﴿٥٨﴾ فارتقب انهم مرتقبون ﴿٥٩﴾

تا مگر خلاقان متذکر (حقایق آن) شوند. (٥٨) پس (از اتمام حجت بر کافران) منتظر (عذاب بر آنان) باش چنان که آنها هم (بر تو) انتظار (روزگارد و حوادث ناگوار) دارند. (٥٩)